

تبیین مفهوم فساد اقتصادی و سیاسی در جامعه توسعه محور

سحر صنیعی^۱

چکیده

فساد و مبارزه با آن امروزه در بسیاری از کشورهای مختلف جهان به عنوان یک مسئله اساسی موردنظر است. یکی از اشکال جرم، فساد سیاسی و اقتصادی است. جرم یعنی عملی که قانون را نقض کند. به عبارت دیگر، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم تلقی می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی، فساد سیاسی و مالی را به عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند. هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده می‌شود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. اساسی‌ترین مبارزه با فساد سیاسی و اقتصادی شامل ایجاد زمینه اشتغال و کاهش بیکاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و جلوگیری از رانت‌خواری، فراهم کردن حداقل امکانات زندگی برای همه مردم است. این مقاله در پی تبیین نقش فساد در جوامع و تأثیر آن بر توسعه است. به این منظور، ابتدا وارد ادبیات مفهومی شده، به تعریف فساد سیاسی و اقتصادی که مانع اصلی توسعه و منشا مفسد دیگر می‌باشد، و سپس به سطوح، انواع و مفهوم فساد در کشورهای مختلف اشاره می‌شود. آنگاه در یک بحث کوتاه، علل و عوامل موثر در فساد سیاسی و اقتصادی را بیان داشته، ضمن بررسی تطبیقی وضعیت فساد در کشورهای در حال توسعه، پیامدها و راهکارهای مبارزه با این پدیده ویرانگر را بیان خواهیم داشت.

واژگان کلیدی: جرم، فساد سیاسی، فساد اقتصادی، توسعه.

^۱ دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

می‌شود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. فساد سیاسی و اقتصادی از بزرگترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه هستند. در ادامه به بررسی مفصل‌تر موضوع می‌پردازیم.

معنا و مفهوم فساد

واژه **فساد** در لغت به معنی تباهی است. اصطلاح فساد از فعل لاتین **Rumpere** می‌آید که به معنای شکستن است. بنابراین در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود. این چیز ممکن است یک شیوه رفتار اخلاقی یا قانونی یا گاهی مقررات اداری باشد. بانک جهانی فساد را این‌گونه تعریف می‌کند: سوءاستفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی. این تعریف در ایران عموماً تحت عنوان فساد اداری به کار می‌رود. بنابر تعریفی، فساد به معنی استفاده غیرمجاز از قدرت عمومی در جهت منافع خصوصی است. فساد در اشکال مختلف آن؛ در سطوح کلان و خرد، و در ابعاد گوناگون اداری، اقتصادی و سیاسی گریبانگر کشورهای است که دارای حکومت‌هایی ناکارآمد هستند. البته نوع، شکل، میزان و گستردگی آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. به طور کلی رابطه نادرست ثروت، قدرت و ارزش‌ها منجر به شیوع فساد می‌گردد. فساد نتیجه تبانی نخبگان اقتصادی و سیاسی است. همچنان که اشاره شد، عمده‌ترین و شاخص‌ترین علت فساد، ناکارآمدی حکومت است. از آن‌رو که فساد ماهیت ضدتوسعه دارد، برای کشورهایی که در جهت توسعه گام برمی‌دارند، ضرورت دارد که در مسیری عاری از فساد حرکت کنند. همواره ارتباط معکوسی بین استفاده صحیح از قدرت و قلمرو

فساد یکی از واژه‌های جاری و پرکاربرد در ادبیات سیاسی و اقتصادی معاصر است. این واژه برای نخستین بار توسط ارسطو و بعدها سیسرون به کار رفت. فساد را به معنی استفاده غیرمجاز از قدرت عمومی برای منافع خصوصی تعریف می‌کنند. مهم‌ترین علل و زمینه‌های فساد اقتصادی؛ در بخش عمومی و به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود و ناشی از محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی، تجاری و برخوردار از ذخایر منابع طبیعی مانند نفت است. به طور کلی فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کند شدن رشد اقتصادی و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در هر کشور می‌شود، درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد، و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی را تنزل می‌دهد. اساسی‌ترین سیاست‌های مبارزه با فساد اقتصادی و اصلاحات اقتصادی شامل ایجاد نهادهایی بدین منظور، افزایش دستمزدهای بخش عمومی، کاهش اندازه دولت در اقتصاد، حسابرسی مالی دقیق، استقلال رسانه‌های ارتباط جمعی، استقلال دستگاه قضایی، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی و اصلاح فرهنگ جامعه است که می‌تواند در اقتصاد کشور پویایی ایجاد نماید و در نهایت باعث رشد و شکوفایی در اقتصاد ملی شود. سازمان‌های جهانی پدیده فساد مالی و سیاسی را به عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند. هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده



موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه هستند (Azfar, 2001: 43).

در دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های اقتصادی گسترده‌ای نظیر تشویق تجارت بین‌المللی، خصوصی‌سازی کارخانه‌ها، صنایع و شرکت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمومی مانند آموزش و پرورش توسط بسیاری از کشورهای در حال توسعه اتخاذ شدند اما بر خلاف انتظار، رشد سریعی حاصل نشد و درآمدهای ملی آنها کاهش چشمگیری نشان داد. علت اصلی این مسئله، یعنی شکست برنامه‌های اصلاحات از جمله خصوصی‌سازی، در فساد گسترده در این کشورها بود و مبالغی از کمک‌های بین‌المللی به کشورهای کم درآمد، از سوی سیاستمداران و گروه‌های وابسته به صورت غیرقانونی برداشت شده بود. مفسدان اقتصادی در همه جای دنیا برای اینکه از دست قانون راحت باشند، بیکار نمی‌نشینند.

بسیاری از قضات را با پول می‌خرند، وکلای قدرتمندی برای خود دست و پا می‌کنند، اگر خبرنگاری بخواهد فساد آنان را افشا کند، به طرق مختلف او را از سر راه برمی‌دارند، مراقبند که هیچ عامل نفوذی جان سالم به در نبرد، و از همه مهمتر اینکه سیاستمداران را چنان به خود وابسته می‌کنند که نتوانند کاری برای مبارزه با فساد انجام دهند. یک وضعیت بدتر این است که مفسدان به حکومت برسند و در مقابل ده‌ها دوربین، خطابه مفصلی در لزوم مبارزه با فساد ارائه دهند. در یک نگاه کلی، کیفی فساد اقتصادی ممکن است یک یا چند مورد از این مجازات‌ها باشد: بازگرداندن مبلغ اختلاس یا ارتشا، جریمه چند برابری نسبت به آن، حبس و اعدام. اما در مورد مدیران دولتی و مناصب عمومی، علاوه بر اینها؛ برکناری از شغل فعلی،

گسترش فساد، وجود داشته و هرگاه از قدرت به طور مطلوب استفاده شده، فساد کاهش یافته است. غالباً در فساد چیزی نقض می‌شود. در محیط فاسد؛ حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان نادیده گرفته می‌شود.

مهم‌ترین علل فساد اقتصادی در بخش عمومی به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود و شامل محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی، تجاری و ذخایر منابع طبیعی مانند نفت است. فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کند شدن رشد اقتصادی و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در هر کشور می‌شود، درآمدهای مالیاتی کاهش می‌یابد و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی تنزل پیدا می‌کند. اساسی‌ترین سیاست‌های مبارزه با فساد اقتصادی و اصلاحات اقتصادی شامل ایجاد نهادهایی بدین‌منظور، افزایش دستمزدهای بخش عمومی، کاهش اندازه دولت در اقتصاد، حسابرسی مالی دقیق، استقلال رسانه‌های ارتباط جمعی، استقلال دستگاه قضایی، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی و اصلاح فرهنگ جامعه است که می‌تواند در اقتصاد کشور پویایی ایجاد نماید و در نهایت باعث رشد و شکوفایی در اقتصاد ملی شود.

سازمان‌های جهانی پدیده فساد مالی و سیاسی را به عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند (لطفیان، ۱۳۸۵: ۱۸۷). هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده می‌شود، امنیت عمومی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. فساد سیاسی و اقتصادی از بزرگترین

نشان‌دهنده عرضه فساد است در مقابل CPI که تقاضای فساد است، منتشر کرد. به عبارت دیگر BPI شاخص پرداخت‌کنندگان رشوه و CPI شاخص دریافت‌کنندگان رشوه است (عزیزخانی، ۱۳۸۵: ۷-۴).

انفصال از مشاغل دولتی تا چندین سال و حتی اعدام را ممکن است در پی داشته باشد. با این حال، فساد تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر روندهای جاری اقتصادی و سیاسی جامعه بر جا می‌گذارد.

شاخص ادراک فساد^۱

فساد و پیامدهای آن

فساد مالی و اقتصادی یکی از اشکال جرم است. بانک جهانی فساد مالی را سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولت به منظور تأمین منافع شخصی تعریف کرده است. سازمان‌های بین‌المللی از دهه ۱۹۹۰ توجه ویژه‌ای به مسئله فساد داشته‌اند و از مهمترین اقدامات جامعه جهانی، تصویب کنوانسیون ضدفساد سازمان ملل در مجمع عمومی در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ در مقر سازمان ملل بود و ۱۳۳ کشور آن را امضاء کردند (لطفیان، پیشین: ۲۰۱). معیار اثبات فساد، انحراف از اخلاق و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی است. مفاسد و جرائم اقتصادی چون همراه با تبانی کارکنان دولتی صورت می‌گیرند، در چارچوب فساد اداری هم تعریف می‌شوند (زمانی، ۱۳۸۸: ۳۷). رویکرد اقتصاددانان به جرم از منظر تحلیل منفعت-هزینه یا بیشینه‌سازی مطلوبیت ناشی از ارتکاب جرم در کنار محدودیت‌های مختلف آن می‌باشد (دقیقی، ۱۳۸۸: ۸۰).

فساد به فعالیت‌ها و اقداماتی از جمله رشوه، تقلب، پرداخت‌های غیرقانونی، خرید آراء، کمک غیرقانونی به تبلیغات نامزدهای انتخاباتی، سوءاستفاده از قدرت و عهدشکنی، اختلاس، حیف و میل وجوه دولتی اطلاق

سازمان شفافیت بین‌المللی سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و مقر اصلی آن در آلمان است (البته شعبه‌ای هم در انگلیس دارد)، که هدف اصلی آن مبارزه با فساد است. شاخص ادراک فساد از سوی این سازمان و به وسیله آقای لامبدورف در ژوئن ۱۹۹۵ برای اولین بار تهیه و در سال ۱۹۹۶ به صورت رسمی ارائه شد. در این شاخص کشورها از نظر میزان فساد ارزیابی و بررسی می‌شوند و هر سال فهرستی از این کشورها با توجه به میزان سلامت و فساد آن‌ها منتشر می‌شود. ایران نیز از سال ۲۰۰۳ در این فهرست قرار گرفته است.

این شاخص که تقاضای فساد را نشان می‌دهد، شاخصی ترکیبی است که به وسیله اندازه‌گیری‌های گوناگون میدانی و اسنادی به دست می‌آید و مبتنی بر ادراک و نگرش تعدادی از تجار، تحلیلگران اقتصادی، سیاستمداران و مدیران بخش دولتی است. این شاخص میزان سلامت کشورها را از صفر تا ده نشان می‌دهد و هر چه این عدد به ده نزدیک‌تر باشد آن کشور پاک‌تر و سالم‌تر است. CPI شاخصی برای بیان فساد مالی است و فقط رشوه را اندازه‌گیری می‌کند. این سازمان اخیراً شاخص BPI^۲ را که

^۱ Corruption Perception Index (CPI)

^۲ Bribe Payers Index



۳- فساد اداری براساس نقش وابستگی‌های اجتماعی و

خانوادگی در تصمیمات کارمندان

۴- فساد بر مبنای سطح سازمانی: فساد رؤسای دولت، وزیران و کارمندان عالی‌رتبه را فساد کلان و فساد کارمندان جز را فساد خرد می‌گویند. بدون کنترل فساد کلان امکان از بین رفتن فساد خرد محدود است.

۵- فساد بر مبنای نظام‌مندی: فساد سازمان‌یافته حالتی است که میزان رشوه و گیرنده آن مشخص است و پرداخت وجه تضمین می‌کند که سفارش خواسته شده، اجرا خواهد شد. برخی استدلال می‌کنند که فساد سازمان یافته ضرر کم‌تری دارد، چون در چنین نظامی یک دیوان‌سالار فاسد سهم کاملاً مشخصی از سود بنگاه را طلب می‌کند و نفع او در موفقیت بنگاه است (فرج پور، ۱۳۸۱: ۵۸).

می‌شود. قوانین جزایی بیشتر کشورها، مجازات‌هایی برای این موارد در نظر گرفته‌اند (لطفیان، پیشین: ۱۸۹-۱۸۸). بیشترین تأثیر فساد بر افراد فقیر و ضعیف جامعه است زیرا برداشت غیرقانونی از وجوه دولتی یا منابع اقتصادی باعث می‌شود که منابع ملی به بخش‌های عمومی مانند بهداشت، آموزش و پرورش، حمل و نقل عمومی، خدمات پلیس و نیروی انتظامی اختصاص پیدا نکند. همچنین فساد به کاهش سرمایه‌گذاری و حتی فرار سرمایه از کشور منجر می‌شود. این مسئله به نوبه خود به مشکلات تخریب‌کننده توانمندی توسعه ملی و جهانی مانند رعایت نکردن حقوق بشر، نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی، فعالیت‌های غیرمردمی ناشی از تقلب، دزدی و سوءاستفاده مالی منتهی می‌شود (همان، ۲۰۴).

انواع فساد

فساد را از چند دیدگاه می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

وقوع فساد منوط به وجود دو عامل قصد و فرصت است. از جمله عوامل برانگیزاننده که سبب شکل‌گیری قصد ارتکاب فساد می‌گردد عبارتند از: ۱- مشکلات مالی؛ ۲- سلوک و نگرش گروهی مشوق فساد؛ ۳- نارضایتی و کینه‌جویی؛ ۴- فشار هم‌تایان یا همکاران.

دخالت دولت در بازار آزاد یکی از سرچشمه‌های فساد است. هر چه محیط بازار کم‌تر رقابتی باشد، میزان فساد از طریق ترغیب کارکنان دولت به اخذ سهمی از رانت‌های انحصاری از راه رشوه، بالاتر خواهد بود، بروز فقر در جوامع با میزان دخالت در اقتصاد آن جوامع رابطه مستقیم داشته است. یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد، محدود ساختن فعالیت‌های اقتصادی دولت و تشویق بخش خصوصی به

۱- فساد بر مبنای افکار عمومی جامعه: ارزش فرهنگی و اخلاقی هر جامعه با دیگر جوامع متفاوت است و در داخل جامعه نیز این ارزش‌ها در طول زمان تغییر می‌کند. در این راستا اقدامی در چارچوب فعالیت‌های اداری- دولتی، مصداق فساد را می‌یابد که از دید مردم جامعه غیراخلاقی و مضر تلقی شود.

۲- فساد براساس منافع عمومی: برخی از محققان فساد اداری را مجموعه‌ای از اقدامات کارمندان و مسئولان دولت می‌دانند که اولاً به منافع عمومی لطمه بزند. ثانیاً هدف از انجام آن رساندن فایده به عامل یا به شخص ثالثی که عامل را برای انجام این اقدام اجیر کرده است، باشد.

یک سکه و همزاد یکدیگرند. هر چه میزان و تعداد نهادهای غیردموکراتیک در جامعه بیش تر باشد، فساد زمینه‌بروز و قابلیت بالقوه بیش تری می‌یابد. هر چه سطح توسعه‌یافتگی بالاتر و میزان دخالت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و نحوه مدیریت جامعه بیش تر باشد، به همان نسبت فساد قابلیت بروز کم تری می‌یابد (همان، ۱۰-۱۲).

فساد، سیاستمداران و نظام‌های سیاسی

در رژیم‌های استبدادی، فساد با نقض حقوق بشر رابطه مستقیم دارد. از سوی دیگر دموکراسی مستلزم پاسخگویی و مسئولیت است. در یک نظام دموکراتیک، دو نوع پاسخگویی وجود دارد:

(الف) پاسخگویی سیاسی؛

(ب) پاسخگویی اداری (مدیریتی).

از جهت دیگر آزادی مطبوعات نیز به طرق عدیده برای مبارزه با فساد مفید خواهد بود. وجود قوه قضائیه مستقل، نیرومند و کارا در مبارزه با فساد اداری و اقتصادی و سیاسی به منظور فراهم کردن محیط مساعد و شفاف برای فعالیت‌های سالم اقتصادی، نظارت و دفاع از حقوق شهروندان و جلوگیری از ضایع شدن اموال عمومی ضروری است. یک سیاستمدار ممکن است برای نیل به اهداف سیاسی از جمله حفظ قدرت سیاسی، به اقدامات آلوده به فساد متوسل شود. ساختار سیاسی جامعه، میزان قدرت و مسئولیت سیاستمداران را تعیین می‌کند و از این طریق بر منافع و هزینه‌های فساد برای هر سیاستمدار اثر می‌گذارد. هر اندازه آزادی بیان و مطبوعات و قدرت مردم در انتخاب سیاستمداران بیش تر باشد، سیاستمداران برای حفظ

مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی از طریق آزادسازی اقتصاد می‌باشد. اجرای برنامه آزادسازی مستلزم پیش‌زمینه‌ها و اصلاح ساختار اقتصادی است. اصلاحات، خصوصی‌سازی، ایجاد رقابت، قیمت‌های اقتصاد آزاد، تمرکززدایی و ایجاد دولت با تدبیر می‌تواند اقتصاد را به توانایی‌های بالقوه نزدیک سازد و تولید را افزایش دهد. این اصلاحات ممکن است منجر به کاهش درآمدهای دولت در نتیجه کاهش عوارض و مالیات‌های بازرگانی شود و اینک در تلاش برای حفظ ثبات کلان اقتصادی، دولت‌ها ممکن است هزینه‌های اجتماعی را کاهش دهند یا مالیات‌های جدیدی را اعمال کنند که اثر نامطلوبی بر فقرا در جامعه داشته باشند. همچنین کاهش نرخ‌های بالای تعرفه‌ها انگیزه‌های قاچاق و فساد را کاهش می‌دهد. در مراحل بعدی اصلاحات مربوط به آزادسازی تجاری، کاهش تعرفه‌ها ممکن است منجر به کاهش درآمدهای دولت گردد.

فساد، معلول دو پدیده فقر و تبعیض، و این دو پدیده معلول ناکارآمدی حکومت هستند. در مقابل، مشروعیت حکومت از طریق کارآمدی حکومت حفظ می‌شود. در کشورهایی که میزان فساد زیاد است؛ نسبت جمعیتی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند نیز بالاست. یکی از دلایل اصلی فساد خرد، فقر و حقوق ناکافی است. هر قدر حقوق نسبی در بخش دولتی بیش تر باشد، آنچه که کارمند در صورت کشف جرم و اخراج از شغل دولتی از دست می‌دهد، بیش تر خواهد بود. بنابراین هزینه‌های احتمالی فساد بالا می‌رود و هنگامی که فساد در جامعه گسترده باشد، درآمدهای مالیاتی کاهش و در نتیجه توانایی دولت برای پرداخت حقوق محدود می‌گردد. فساد و بی‌ثباتی دو روی



نرخ مرگومیر کودکان بالاست. در کشورهایی که سطح فساد بالاتر است نرخ ترک تحصیل نیز بالاست. از سوی دیگر فساد می‌تواند هزینه خدمات درمانی و آموزشی را بالا ببرد.

بین میزان و نحوه مداخله دولت در امور اقتصادی و شدت و گستره فساد اداری رابطه مستقیمی وجود دارد. تجربه کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که این کشورها پس از جنگ جهانی اول و دوم تلاش‌های وسیعی برای گسترش مالکیت دولت از طریق ملی کردن صنایع و خدمات را آغاز کردند. حاصل این تجارب که در عدم کارایی شرکت‌های دولتی خلاصه می‌شود، باعث شد تا شعارهای ملی کردن به عدم ملی کردن و بازگشت به مکانیسم بازار و خصوصی‌سازی صنایع و خدمات تبدیل شود (دادخدایی، ۱۳۸۹: ۶۷)؛ اما در کشورهای در حال توسعه با این استدلال که مکانیسم قیمت‌ها در این کشورها به خوبی عمل نمی‌کند و راهنمای مناسبی برای تخصیص بهینه سرمایه‌گذاری و عوامل تولید نیست یا اساساً بازار به مفهوم نظامی سازمان‌یافته و مدرن وجود ندارد. سبب شدت در اغلب کشورهای جهان سوم، دولت عهده‌دار فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه‌های گوناگون از طریق شبکه‌های انحصاری شود. مزیت نسبی دولت در فعالیت‌هایی است که به طور طبیعی توسط بازار صورت نمی‌گیرد یا اصلاً از حوزه فعالیت‌های بازار خارج است.

یکی از دلایل فساد خرد، فقر است. اما این امر در مورد فساد کلان چندان صادق نیست و این نوع فساد عمدتاً علت فقر است تا معلول آن. بنابراین گسترش فساد منجر به افزایش فقر و توزیع نابرابر درآمدها می‌گردد. همچنین

موقعیت سیاسی و وجهه اجتماعی خود به میزان کم‌تری مرتکب فساد خواهند شد. یکی دیگر از عوامل سیاسی مؤثر در کنترل یا گسترش فساد در جامعه، میزان عزم سیاسی سیاستمداران و حمایت آنها در مبارزه با فساد می‌باشد. احزاب سیاسی از جایگاهی ویژه در استقرار دموکراسی برخوردارند، بدون آنها دموکراسی به خطر می‌افتد. معمولاً احزاب سیاسی برای استمرار فعالیت‌های خود نیازمند منابع مالی هستند. یکی از دلایلی که سیاستمداران به فساد آلوده می‌شوند، هزینه‌های سیاسی است.

در اقتصادهای در حال گذار، فساد شکل جدیدی پیدا کرده است که در آن الیگارش‌ها در شکل‌گیری سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، متقلبانه اعمال نفوذ کرده و قواعد بازی را کاملاً به سود خود طراحی می‌کنند. به چنین رفتاری تسخیر دولت گفته می‌شود. فساد ناشی از تسخیر دولت نه تنها معلول بلکه علت اساسی ناکارآمدی حکومت است. در فساد ناشی از تسخیر دولت، سعی بر آن است که بر نحوه شکل‌گیری و تصویب این قوانین و مقررات اعمال نفوذ شود. به شرکت‌هایی که اقدام به پرداخت رشوه برای اعمال نفوذ در محتوای قوانین و مقررات کرده‌اند، عنوان شرکت‌های اجیرکننده داده شده است. به طور کلی تسخیر دولت زمانی شیوع می‌یابد که شرکت‌ها با ناامنی حقوق مالکیت، محدود بودن رقابت، عدم آزادسازی اقتصاد و ... مواجه هستند.

تسخیرپذیری اقتصاد سبب رونق رابطه‌مداری به جای صلاحیت و شایسته‌سالاری و استفاده از نفوذ به جای نوآوری می‌شود. از سوی دیگر فساد در خریدها و مناقصه‌های دولتی نیز از جمله شیوه‌های متداول برای اعمال نفوذ است. در کشورهایی که سطح فساد بالاست،

شیوع فساد در جامعه منجر به افزایش هزینه‌ها و کاهش انگیزه‌ها برای سرمایه‌گذاری‌ها می‌گردد و این امر نیز به نوبه خود منجر به افزایش نرخ بیکاری و تشدید فقر می‌گردد و چنانچه نرخ رشد جمعیت جامعه نیز بالا باشد در آن صورت منحنی رشد فقر و بیکاری شیب نگران‌کننده‌ای به خود می‌گیرد (شلالوند، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

عمده‌ترین مصادیق فساد سیاسی و اقتصادی

فساد و جرائم اقتصادی موجب بروز فقر، محرومیت و عقب‌ماندگی می‌شود. مهمترین مفاصد و جرائم اقتصادی یا جرائم یقه سفیدان عبارتند از: ۱- دریافت غیرمجاز تسهیلات بانکی؛ ۲- عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی؛ ۳- تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و کنترل بر عدم انحراف آنها؛ ۴- پولشویی؛ ۵- رشاء و ارتشا؛ ۶- اختلاس (نزد مدیران ارشد دستگاه اداری)؛ ۷- دخالت در معاملات دولتی، مناقصه‌ها و مزایده‌ها؛ ۸- تبانی و تقلب در پرداخت حقوق و عوارض گمرکی؛ ۹- دریافت پورسانت در معاملات دولتی؛ ۱۰- فرار مالیاتی؛ ۱۱- عدم دریافت مالیات و سایر حقوق دولت از مؤدیان مالیاتی؛ ۱۲- بهره‌برداری از اطلاعات موجود در بخش دولتی به نفع شخص در راستای فعالیت‌های اقتصادی؛ ۱۳- تصرف غیرقانونی در اموال دولتی؛ ۱۴- تقلب و تبانی در گشایش اعتبارات ارزی (دادگر، ۱۳۸۲: ۹۱). اغلب این جرائم و مفاصد توسط صاحبان قدرت و ثروت به واسطه رانت اطلاعاتی و داشتن روابط نزدیک با متولیان جریان اقتصاد و درآمدهای دولت صورت می‌گیرد.

رابطه فساد و رشد اقتصادی

ادبیات نظری پیرامون ارتباط میان پدیده فساد و رشد اقتصادی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: اول، نظریه‌هایی که معتقدند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف‌ناپذیر تحمیل شده توسط دولت (خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه‌یافته)، به افزایش رشد اقتصادی منجر شود. دوم، نظریه‌هایی که فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر، زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد (صباحی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای دارای درآمد متوسط و بالا اثر مثبت دارد. کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای کم درآمد، اثری منفی دارد (همان، ۱۵۶-۱۵۵). کشورهای با درآمد بالا دارای درآمد سرانه بالای ۱۰/۰۶۶ دلار؛ کشورهای با درآمد متوسط دارای درآمد سرانه بین ۸۲۵ و ۱۰/۰۶۵ دلار؛ و کشورهای با درآمد پایین دارای درآمد سرانه ۸۲۵ دلار و پایین‌تر هستند (همان، ۱۴۸).

رابطه فساد مالی و بوروکراسی ناکارآمد

به گفته داگلاس نورث (۱۳۷۷)، نهادها قوانین بازی در جامعه هستند، کلید فهم تغییر و تحولات تاریخی محسوب می‌شوند، بر عملکرد اقتصادی تأثیر جدی دارند و عملکرد متفاوت اقتصادها در طول زمان متأثر از تغییر و تحول نهادهاست. کلید درک آسیب‌های اقتصادی- اجتماعی همچون فساد را باید در قالب نهادها جستجو کرد. فساد در ارتباط با فعالیت‌های دولتی و در جهت برخورداری برخی مدیران و کارکنان از اختیارات انحصاری تعریف شده است. گری بکر برنده نوبل معتقد است اگر دولت را برداریم،



نه فقط در سطح ملی و کشوری (مانند ایتالیا، ایرلند، ژاپن، کشورهای مشترک‌المنافع و اسپانیا)، بلکه در سطوح بین‌المللی و فراملی نیز طرح شده است (برای مثال استراتژی‌های ضدفساد اتحادیه اروپا در کشورهای کمونیستی سابق). پس از سال‌ها بحث و تحقیق دانش‌پژوهان، متخصصین و سیاستمداران به این نتیجه رسیده‌اند که فساد از موانع عمده صلح و ثبات، توسعه پایدار، دموکراسی و حقوق بشر در سراسر جهان است. گسترش فساد، ثبات و امنیت جوامع را به خطر می‌اندازد، ارزش‌های اخلاقی و دموکراسی را سست و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تهدید می‌کند. اکنون جهانیان می‌دانند که لازمه برقراری دولت کارآمد، اثربخش و عادل مبارزه با فساد است (راغفر، ۱۳۸۷: ۱۳۴). در ادامه برخی تجربه‌های مبارزه با فساد به ویژه در آسیا معرفی و بررسی می‌شوند.

الف) چین: چین را باید در رأس کشورهای قرار داد که مسئله فساد در آن به صورت گسترده رواج دارد و مجازات نیز در آن جدی است و بعضاً از اعدام برای پیشگیری و جلوگیری از گسترش آن، استفاده می‌کنند (محسنی، ۱۳۸۹: ۹۴). بر اساس برآوردها، تقریباً ۳۵ درصد شرکت‌ها در چین اذعان می‌دارند که رشوه یا هدایایی برای پیشبرد کار به مقامات رسمی پرداخته‌اند و مقامات رسمی در اغلب مناطق ثروتمند و به ویژه پایتخت، دست‌هایی در کار دارند (Charney and Qazi, 2015: 2). چرا با وجود چنین مجازات سنگینی همچنان میزان فساد مالی در کشور چین بالاست و بسیاری از مقامات دولتی تخلف می‌کنند؟ جواب این است که علت رشد فساد مالی در

فساد هم برداشته خواهد شد و عمده سهم فساد در کشور مربوط به دولت است و یا در دولت اتفاق می‌افتد (محمودی، ۱۳۸۲: ۲۳۶). هرجا بوروکراسی اداری ناکارآمد، پرهزینه، وقت‌گیر و تحمیل‌کننده هزینه مبادله باشد؛ عقلانیت اقتصادی، کارگزاران اقتصادی را به سوی روش‌های کم‌هزینه‌تر سوق می‌دهد و آنان را وا می‌دارد که روشی را برگزینند که مستلزم صرف هزینه کمتر است. در اینجا فساد اداری به عنوان گزینه بدیل به جای پیمودن مسیر طولانی و طاقت‌فرسای اداری مطرح می‌شود و به تدریج به قاعده بازی کارگزاران اقتصادی تبدیل می‌گردد (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۵۴). این قاعده جدید و غیررسمی اگر چه از لحاظ ارزشی مذموم و ناپسند است، اما از نظر اثباتی کاراتر از قاعده بازی مرسوم و قانونی است و مخصوص کشورهایی است که از بوروکراسی ناکارآمد رنج می‌برند (صباحی، پیشین: ۱۵۵). در کشورهایی که از قوانین و مقررات ساده و تثبیت‌شده، ساز و کار و امور اداری شفاف، سریع و کم‌هزینه برخوردار هستند، فساد به عنوان مانع رشد اقتصادی عمل می‌کند و کنترل فساد اثری مثبت بر رشد اقتصادی دارد؛ اما آنجایی که قوانین پیچیده و متغیر، فرآیندهای اداری مبهم، زمان‌بر و پرهزینه هستند، فساد قادر است هزینه‌های مبادلاتی بنگاه‌ها را کاهش داده، و به سطوح بالاتر تولید بینجامد (همان، ۱۴۸).

فساد و مبارزه با آن در دیگر کشورها

در دو دهه گذشته طرح‌های ضدفساد بسیاری در میان دستگاه‌های قضایی و دیگر بخش‌ها اجرا شده و به دنبال آن، موارد افشای فساد نیز فراگیرتر شده است. این موضوع

قانون جدید ضد ارتشا تشکیل شده است. حداکثر ۲۰ سال زندان و پرداخت غرامتی معادل ۵ برابر میزان رشوه یا ۱۰ هزار رینگیت (معادل حدود ۹۰ میلیون ریال)، مجازاتی است که این قانون برای متخلفان در نظر گرفته است. این کمیته در پژوهشی پیرامون انگیزه‌های ارتشای مدیران دولتی به این نتیجه رسید که کم بودن حقوق آنان تأثیری در این زمینه نداشته و انگیزه‌های اصلی عبارت است از: داشتن سبک زندگی فراتر از امکانات، دارا بودن تمایلات حریصانه، فرصت‌های مساعد برای ارتشا و ضعف در امانت‌داری و شرافت (Transparency, 2014: 78).

ه) سنگاپور: مجازات فساد اقتصادی در کشور سنگاپور، غرامت ۱۰۰ هزار دلاری علاوه بر بازگرداندن مبلغ اختلاس، حداکثر ۵ سال زندان و یا هر دو است. در مشاغل دولتی این حبس تا ۷ سال نیز به طول می‌انجامد. مدیر مفسد از شغلش برکنار شده، حقوق و مستمری وی قطع شده، از درجه و رده وی کاسته می‌شود و یا به طور کلی از مشاغل دولتی منفصل می‌شود (Cliford, 2014: 3).

و) آفریقای جنوبی: در آفریقای جنوبی، قانون پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی مصوب ۲۰۰۴ میلادی تصویب کرده است که فرد متخلف را می‌توان به حبس ابد محکوم کرد، علاوه بر اینکه تا سه برابر مبلغ کلاهبرداری را باید به عنوان غرامت پرداخت نماید. طرح اصلاحیه قانون کیفری مصوب ۱۹۹۷ نیز مشخص کرده است که اگر متهم ردیف اول، بیش از ۵۰۰ هزار رند (حدود یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون ریال) تخلف داشته باشد، تا ۱۵ سال محکوم به حبس است. همچنین، اگر شریک وی بیش از ۱۰۰ هزار رند (حدود ۲۳۰ میلیون ریال) کلاهبرداری کرده باشد و یا

چین، عدم کنترل و نظارت بر قدرت، کمبود انتخاب‌های دموکراتیک و ضعف در آزادی بیان است.

ب) ویتنام: در سال‌های اخیر چندین بانکدار ویتنامی به اعدام محکوم شدند. یک نمونه آن، مدیر ۵۷ ساله «بانک توسعه ویتنام» بود که ۸۹ میلیون دلار وام تقلبی دریافت کرده بود. مورد دیگر، فردی بود که ۲۵ میلیون دلار کلاهبرداری کرده بود؛ یا دونگ‌چی‌دونگ که او نیز در دسامبر ۲۰۱۳ میلادی در این رابطه اعدام شد. روش اعدام در ویتنام، تیرباران است. می‌خواستند از تزریق استفاده کنند اما اتحادیه اروپا مخالفت کرد. امروزه برای ۲۹ نوع از جرائم در ویتنام، محکوم را تیرباران می‌کنند که ۵ مورد آن مربوط به فساد اقتصادی است: کلاهبرداری، اختلاس، قاچاق، جعل و ارتشا. پیش‌تر یعنی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ میلادی، ۱۲ بانکدار در ویتنام اعدام شدند (Coffey, 2014: 6).

ج) هند: اگر کسی در هند، به صورت غیرقانونی اموالی را تصاحب کند، تا محکوم به دو سال حبس یا غرامت آن را می‌پردازد و یا هر دو. اما اگر وی کارمند بوده و از شخصیت حقوقی خود سوءاستفاده کند، تا ۷ سال حبس را علاوه بر پرداخت غرامت باید تحمل کند. بدترین حالت وقتی است که فرد مجرم دارای شغل دولتی باشد و در حوزه شغل خود مرتکب اختلاس و یا پولشویی شده باشد، در این صورت وی علاوه بر پرداخت جریمه، ممکن است به حبس ابد محکوم شود (عالی‌پور، ۱۳۸۱: ۶۳).

د) مالزی: کمیته ضداارتشای مالزی، یک کمیته «مستقل، حرفه‌ای و شفاف» در زمینه مبارزه با انواع جرائم مرتبط با رشوه است که در سال ۲۰۰۹ میلادی براساس



شیلینگ (بیش از ۸ تریلیون ریال) برای اقتصاد کنیا ضرر داشت، تنها سه نمونه از این مفاسد اقتصادی در دهه اخیر است. برخی دولت‌ها مجازات‌های سنگینی برای فساد اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند، با این حال مأموران آنها به دلیل دریافت رشوه و یا علل دیگر، اختلاس و کلاهبرداری را نادیده گرفته، متخلف را تبرئه می‌کنند و یا وی را بعد از محکومیت مورد عفو قرار می‌دهند و محیط مساعدی را برای فعالیت مفسدان اقتصادی و گسترش رشوه فراهم می‌کنند.

(ح) **هنگ‌کنگ:** این کشور در دهه‌های ۷۰-۶۰ درگیر فساد اداری گسترده‌ای بود، به گونه‌ای که پلیس به طور علنی رشوه می‌گرفت و در ادارات دولتی بدون رشوه، کاری انجام نمی‌شد. از این‌رو کمیسیون مستقل مبارزه با فساد تأسیس گردید. این کمیسیون مستقل از سه بخش مجریه، مقننه و قضایی بوده و رئیس آن در مقابل فرماندار هنگ‌کنگ پاسخگو می‌باشد. کمیسیون دارای واحدهای پلیسی و تجسسی مستقل بوده است. کشف یک شبکه فساد در داخل پلیس موجب خوشحالی و افزایش قدرت کمیسیون و جلب اعتماد مردم گردید. این سازمان برنامه مبارزه با فساد را به طور مستمر و مداوم و با مشارکت همگانی شهروندان پیگیری نموده و از افراد مجرب استفاده نموده و بودجه کافی برای این مبارزه اختصاص داده است و اخبار موارد فساد و نتایج آنها و نظارت عمومی بر عملکرد سازمان‌ها برای اطلاع جامعه از طریق مطبوعات منتشر می‌شود.

اینکه یک افسر و مقام قضایی بیش از ۱۰ هزار رشوه بگیرد. سازمان مستقل «دیدبان اختلاس» در آفریقای جنوبی اعلام کرده است که در یازده ماه نخست فعالیت خود، ۱۲۲۷ مورد شکایت از اختلاس و ارتشا دریافت کرده است و به مقامات مسئول، گزارش داده است. این سازمان از طریق ایمیل، پیامک، تلفن، فکس، پست، فیس‌بوک و ... شکایت مردم را دریافت کرده و نتیجه پیگیری را به اطلاع آنان می‌رساند. ۳۴ درصد از شکایات مربوط به شهرداری‌ها، ۳۲ درصد مربوط به ادارات استانی و ۱۶ درصد مربوط به ادارات دولت مرکزی بوده است (Nduku and Tenamwenye, 2014: 10).

(ز) **کنیا:** در کنیا، ماده ۴۸ از قانون کیفری کنیا به قاضی اجازه داده که مختلس را تا سقف یک میلیون شیلینگ (حدود ۳۰۰ میلیون ریال) جریمه کرده و تا ۱۰ سال به زندان اندازد. علاوه بر اینکه تا دو برابر میزان اختلاس از وی غرامت گیرد. اخیراً طرحی در مجلس این کشور ارائه شد که در شرایطی مجازات اعدام را برای اختلاس‌گر تجویز می‌کند (الهیاری، ۱۳۸۸: ۳۷). دلیل این امر آن بود که اولاً مجازات باید با جرمی که به اموال عمومی صدمه زده، متناسب باشد؛ ثانیاً مجازات باید بتواند برای جرمی که اینچنین شایع است، بازدارنده باشد. ۱/۲ میلیارد شیلینگ (حدود ۳۶۰ میلیارد ریال) اختلاس در مناقصه خرید لپ‌تاپ برای مدارس توسط شرکت ارتباطات زیتون، ۱/۷ میلیارد شیلینگ (حدود ۵۱۰ میلیارد ریال) اختلاس در حراج سفارت کنیا در توکیو و کلاهبرداری ۶۰ میلیون شیلینگی (حدود ۱۸ میلیارد ریال) توسط یک شرکت لیزینگ که طبق برآورد گلدنبرگ دست کم ۲۷ میلیارد

نتیجه‌گیری

مصادیق فساد؛ فعالیت‌ها و اقداماتی از جمله رشوه، تقلب، پرداخت‌های غیرقانونی، خرید آراء، کمک غیرقانونی به تبلیغات نامزدهای انتخاباتی، سوء استفاده از قدرت و عهدشکنی، اختلاس، حیف و میل وجوه دولتی را شامل می‌شود. قوانین جزایی بیشتر کشورها، مجازات‌هایی برای این موارد در نظر گرفته‌اند. بیشترین تأثیر فساد بر افراد فقیر و ضعیف جامعه است زیرا برداشت غیرقانونی از وجوه دولتی یا منابع اقتصادی باعث می‌شود که منابع ملی به بخش‌های عمومی مانند بهداشت، آموزش و پرورش، حمل و نقل عمومی، خدمات پلیس و نیروی انتظامی اختصاص پیدا نکند. همچنین فساد به کاهش سرمایه‌گذاری و حتی فرار سرمایه از کشور منجر می‌شود. این مسئله به نوبه خود به مشکلات تخریب‌کننده توانمندی توسعه ملی و جهانی مانند رعایت نکردن حقوق بشر، نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی، فعالیت‌های غیرمردمی ناشی از تقلب، دزدی و سوء استفاده مالی منتهی می‌شود.

فاسدان اقتصادی را می‌توان به دو سطح خرد و کلان تقسیم کرد. در سطح خرد؛ سارقین منازل، خودروها، قاچاقچیان خرده پا، اختلاس‌کنندگان مبالغ اندک، کلاهبرداران غیرحرفه‌ای را می‌توان دید. دلایل این جرم‌ها عواملی چون بیکاری، فقر مالی و فرهنگی است و بدون سازماندهی، طراحی و پیچیدگی هستند. در سطح کلان؛ افراد و گروه‌هایی هستند که برای دستیابی به اهداف نامشروع خود از رانت‌های مختلف سیاسی-اقتصادی ناشی از برقراری روابط با صاحبان قدرت و نفوذ در دستگاه‌های متولی منابع اقتصادی (که باید صرف تولید و اشتغال و رفاه

همچنان که اشاره شد، فساد در لغت به معنای تباهی، متلاشی شدن، از بین رفتن؛ و در اصطلاح به معنی استفاده غیرمجاز از قدرت عمومی در جهت منافع خصوصی است و عمدتاً در فضای عمومی و در بخش‌های مرتبط با تصدی‌های دولت اتفاق می‌افتد. یکی از اشکال جرم، فساد مالی و اقتصادی است. جرم یعنی عملی که قانون را نقض کند. به عبارت دیگر، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم تلقی می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی، فساد سیاسی و مالی را به عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند. هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده می‌شود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. فساد سیاسی و اقتصادی از بزرگترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه هستند. در دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های اقتصادی گسترده‌ای نظیر تشویق تجارت بین‌المللی، خصوصی‌سازی کارخانه‌ها، صنایع و شرکت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمومی مانند آموزش و پرورش توسط بسیاری از کشورهای در حال توسعه اتخاذ شدند اما بر خلاف انتظار، رشد سریعی حاصل نشد و درآمدهای ملی آنها کاهش چشمگیری نشان داد. علت اصلی این مسئله، یعنی شکست برنامه‌های اصلاحات از جمله خصوصی‌سازی، در فساد گسترده در این کشورها بود و مبالغی از کمک‌های بین‌المللی به کشورهای کم درآمد، از سوی سیاستمداران و گروه‌های وابسته به صورت غیرقانونی برداشت شده بود.



و غیررسمی اگر چه از لحاظ ارزشی مذموم و ناپسند است، اما از نظر اثباتی کارا تر از قاعده بازی مرسوم و قانونی است و مخصوص کشورهایی است که از بوروکراسی ناکارآمد رنج می‌برند.

امنیت ملی به معنی حفظ هویت مادی و معنوی یک کشور از جمله ارزش‌های ملی در برابر تجاوز و تهدید به تجاوز است. این ارزش‌ها شامل حفظ ارزش‌های دینی، حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام‌های سیاسی، اقتصادی و حفظ استقلال می‌باشد. امروزه بُعد اقتصادی امنیت ملی جای بُعد نظامی را گرفته و به نقطه مرکزی تبدیل شده است. برخی دولت‌ها مجازات‌های سنگینی برای فساد اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند، با این حال ممکن است مأموران آنها به دلیل دریافت رشوه و یا علل دیگر، اختلاس و کلاهبرداری را نادیده گرفته، متخلف را تبرئه می‌کنند و یا وی را بعد از محکومیت مورد عفو قرار می‌دهند و محیط مساعدی را برای فعالیت مفسدان اقتصادی و گسترش رشوه فراهم می‌کنند. عوامل کاهش فساد؛ ایجاد زمینه اشتغال و کاهش بیکاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و جلوگیری از رانت‌خواری، فراهم کردن حداقل امکانات زندگی برای همه مردم است. به این ترتیب عوامل کاهش جرم عبارتند از: صنعتی شدن، توزیع عادلانه درآمد، کاهش نرخ بیکاری، کاهش فقر نسبی.

فهرست منابع

فارسی:

۱- الهیاری، طلعت (۱۳۸۸)، «پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد مددکاری اجتماعی»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره چهارم.

عمومی شوند)، بهره‌گیری نموده، و موجب ایجاد انحراف در منابع اقتصادی می‌شوند.

دموکراسی با سازوکارهای نظارتی، پاسخگویی، شفافیت، گردش آزاد اطلاعات، رسانه‌های مستقل و احزاب نیرومند به مثابه نمونه آرمانی و مطلوب، معیار و مقیاس برای ارزیابی فساد در کشورها است. هر چه حکومتی به این الگوی آرمانی نزدیک‌تر شود، میزان فساد در آن کمتر و برعکس با دوری گزیدن از آن، فساد بیشتر خواهد شد. فساد در نظام‌های دموکراتیک، تصادفی است و در نظام‌های غیردموکراتیک نظام‌مند و سیستمی.

نظریه‌های پیرامون ارتباط میان پدیده فساد و رشد اقتصادی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: اول، نظریه‌هایی که معتقدند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف‌ناپذیر تحمیل شده توسط دولت (خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه یافته)، به افزایش رشد اقتصادی منجر شود. دوم، نظریه‌هایی که فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر، زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد.

هرجا بوروکراسی اداری ناکارآمد، پرهزینه، وقت‌گیر، و تحمیل کننده هزینه مبادله باشد؛ عقلانیت اقتصادی، کارگزاران اقتصادی را به سوی روش‌های کم‌هزینه‌تر سوق می‌دهد و آنان را وا می‌دارد که روشی را برگزینند که مستلزم صرف هزینه کمتر است. در اینجا فساد اداری به عنوان گزینه بدیل به جای پیمودن مسیر طولانی و طاقت‌فرسای اداری مطرح می‌شود و به تدریج به قاعده بازی کارگزاران اقتصادی تبدیل می‌گردد. این قاعده جدید

- ۲- دادخدایی، لیلا (۱۳۸۹)، «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن»، *مجله تعالی حقوق*، سال دوم، شماره ۶.
- ۳- دادگر، حسن (۱۳۸۲)، «رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور»، *مجله اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۱.
- ۴- دقیقی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۸)، «رویکردی میان رشته‌ای به پیشگیری از وقوع جرم (رهیافت اقتصادی- روانشناسی)»، *فصلنامه امنیت و نظم*، سال دوم، شماره اول.
- ۵- راغفر، حسین (۱۳۸۷)، «اقتصاد سیاسی فساد»، *مجلس و پژوهش*، سال ۱۴، شماره ۵۸.
- ۶- زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، «درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی»، *نشریه کارآگاه*، سال دوم، شماره ۷.
- ۷- شالوند، عبدالعلی (۱۳۸۴)، «اختلاس و فساد اداری؛ آفت توسعه»، *مجلس و پژوهش*.
- ۸- صباحی، احمد و سعید ملک الساداتی (۱۳۸۸)، «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی»، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۳.
- ۹- عالی پور، ایرج (۱۳۸۱)، «فساد سیاسی/ فساد اقتصادی»، *مجله چیستا*، شماره ۱۸۸ و ۱۸۹.
- ۱۰- عزیزخانی، فاطمه (۱۳۸۵)، «شاخص‌های فساد و رتبه‌بندی کشورها براساس این شاخص‌ها»، *مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، دفتر مطالعات اقتصادی، کد موضوعی ۴۱۰، شماره مسلسل ۷۸۱۵.
- ۱۱- فرج پور، مجید (۱۳۸۱)، *فقر، فساد و تبعیض: موانع توسعه در ایران*، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۲- لطفیان، سعیده (۱۳۸۵)، «پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی- سیاسی در کشورهای در حال توسعه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۷۱.
- ۱۳- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹)، *بازشناسی و تحلیل فساد (مالی، اداری و اقتصادی)*، گرگان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.
- ۱۴- محمودی، وحید (۱۳۸۲)، «فساد اقتصادی و توسعه»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰.
- ۱۵- میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: فرهنگ گفتمان.

لاتین:

1-Cliford Chance (2014). *A Guide to anti-Corruption Legislation in Asia Pacific*. In: www.Globalmandatoolkit.Cliford Chance.com.

2-Azfar and Others (2010). The Causes and Consequences of Corruption. *The Annals of the Academy. AAPSS. N.573*.

3-Charney, Craig and Qazi, Shehzad (2015). Corruption in China: What Companies need to know. *Research, White Paper. No.1*. In: www.Charney Research.com.

4-Transparency (2014). Malaysia Corruption Barometer: Survey Report 2014. *Transparency international Malaysia*. In: www.Transparency.org.

5-Nduku, Elizabeth and Tenamwenye (2014). Corruption in Africa: A Threat to Justice and Sustainable Peace. In: www.Globethics.net.

6-Coffey (2014). The Costs of Corruption in Vietnam from a Macro, Provincial and Firm Perspective. Edited Report: August 2014. P.6. In: www.Coffey.com.